

بررسی رابطه رسانه‌های جمعی با بیگانگی اجتماعی (مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه تبریز)

محمدباقر علیزاده‌اقدم^۱ / سعید سلطانی‌بهرام^۲ / فیروزه علیزاده‌اقدم^۳ / سهیلا بابایی‌آذر^۴

تاریخ پذیرش نهایی: آذر ۹۷

تاریخ دریافت مقاله: مرداد ۹۳

چکیده

امروزه، بیگانگی، به عنوان یکی از دغدغه‌های اصلی جامعه شناسان مطرح است. بیگانگی به معنی دور شدن از ارزش‌ها و فضایل اخلاقی و انسانی و غفلت از خود اصیل و واقعی و گم کردن مسیر درست هدایت است. هدف این تحقیق بررسی ارتباط بین رسانه‌های جمعی و بیگانگی اجتماعی در میان دانشجویان می‌باشد که با روش پیمایشی و با استفاده از تکنیک پرسشنامه هدایت شده انجام گرفته است. جامعه آماری این پژوهش، ۳۸۰ نفر از دانشجویان دانشگاه تبریز هستند که، در سال ۹۲-۱۳۹۱ و به طریق نمونه گیری تصادفی انتخاب شده‌اند. برای تحلیل آماری داده‌های این پژوهش از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه، آزمون t و نیز ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان می‌دهد که بین سن و بیگانگی اجتماعی دانشجویان رابطه معکوس و معنی‌داری در سطح اطمینان ۹۵ درصد وجود دارد، اما در میانگین بیگانگی اجتماعی دانشجویان به تفکیک جنس و وضعیت تاهل تفاوت معنی‌داری مشاهده نگردید، همچنین بین میانگین سطح استفاده از تلویزیون، ماهواره، اینترنت، کتاب و بیگانگی اجتماعی دانشجویان تفاوت معنی‌داری به دست آمده است؛ لیکن، بین میانگین سطح استفاده از رادیو، مجلات و بیگانگی اجتماعی دانشجویان تفاوت معنی‌داری وجود نداشت.

واژگان کلیدی: بیگانگی اجتماعی، بی‌قدرتی، انزوای اجتماعی، بیزاری از خود، بی‌معنایی، بی‌هنجاری، رسانه‌های جمعی، دانشجویان، دانشگاه تبریز.

۱- دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، آذربایجان شرقی، ایران، (نویسنده مسئول)، پست الکترونیک: aghdam1351@yahoo.com

۲- دانشجوی دکتری رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه تبریز، آذربایجان شرقی، ایران

۳- کارشناسی‌ارشد برنامه‌ریزی و رفاه اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۴- دانش‌آموخته علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، آذربایجان شرقی، ایران

مقدمه و بیان مسئله

بررسی و تبیین بیگانگی یکی از دل مشغولی‌های مهم اندیشمندان اجتماعی بوده و هست. ارزیابی ماهیت بیگانگی، بدون توجه به روش‌های جاری زیست و نوع زندگی اجتماعی، مقدور نیست بلکه عوامل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در بروز بیگانگی مؤثر می‌باشند (زکی، ۱۳۸۸: ۲۵). ریشه یابی و شناخت علل بیگانگی بیش از هر موضوعی، جامعه‌شناسان را به خود مشغول کرده است، در این میان، آنچه بدیهی است اشتراک نظر آنها در نقش عوامل اجتماعی در بروز بیگانگی است. حتی آن دسته از جامعه‌شناسانی که در تبیین‌های خود از بیگانگی به انگیزه‌های فردی توجه دارند در تحلیل‌های خود بیشتر به انگیزه‌هایی که از ارزش‌های نظام اجتماعی سرچشمه گرفته‌اند تأکید می‌ورزند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۱: ۱۲۵). علاوه بر موارد ذکر شده، رسانه‌های جمعی نیز یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین عناصر قابل طرح در بروز بیگانگی اجتماعی می‌باشد، هر چند که فناوری اطلاعات و ارتباطات، ابزار توانمندسازی بشر هستند که دسترس نامحدود به اطلاعات را تسهیل نموده و این قابلیت را دارند که آموزش را در همه‌ی سطوح جامعه گسترش دهند و مرزهای مکانی و زمانی را نادیده بگیرند. با همه‌ی تعریفات و الزامات شمرده شده، نباید زوایای منفی، ناهنجار و مشکل ساز آن را نیز از نظر پنهان کرد؛ چرا که غفلت از آن، سبب تغییرات ناخواسته و حتی تهدیدکننده‌ای بر ارزش‌ها و فرهنگ جوامع گردیده است. رسانه‌های جمعی در صورتی که در انتقال مفاهیم و اطلاعات مفید دچار کاستی و نقصان باشند در این صورت ناکارآمدی این وسایل در ارائه ارزش‌ها، هنجارها، اهداف، اطلاعات و عدم ارتقای سطح کیفی برنامه‌ها و محتواهای خود و عملکرد نامطلوب داشتن در زمینه‌ی کارکردهای تفریحی، آموزشی و اطلاعاتی منجر به بروز عواملی می‌شود که نقش مؤثری را در آسیب‌های اجتماعی بازی می‌کند. لذا، بررسی بیگانگی اجتماعی در میان دانشجویان و تأثیری که رسانه بر بیگانگی اجتماعی آنها می‌گذارد، حائز اهمیت و ضروری به نظر می‌رسد.

تزلزل مبانی اخلاقی، گسسته شدن پیوندهای عاطفی، تنهایی، مصرف مواد مخدر، انحرافات اجتماعی، انزوا، احساس پوچی، افزایش میزان خودکشی و هم‌چنین افزایش میزان افراد مبتلا به بیماری‌های روحی و روانی، از جمله مسائلی هستند که به نوعی با پدیده‌ی بیگانگی و تأثیر پذیری از رسانه در ارتباط می‌باشند. در دوران معاصر که به عصر اطلاعات و جامعه اطلاعاتی و ارتباطی معروف است، بخش عظیمی از جامعه پذیری نسل‌ها از طریق رسانه‌ها انجام می‌شود و نفوذ و تأثیر رسانه تا جایی است که برخی از نظریه‌پردازان ارتباطی بر این باورند که رسانه‌ها اولویت ذهنی و حتی رفتاری ما را تعیین می‌کنند و اگر چگونه فکر کردن را به ما یاد ندهند، اینکه به چه چیزی فکر کنیم را به ما می‌آموزند. رسانه‌ها از طریق ارائه درست و یا نادرست مطالب باعث جهت‌گیری افراد می‌گردند و به نوعی قادرند یک طرز تفکر عمومی در جامعه ایجاد کنند. به دلیل ارائه پیام از طریق رسانه‌ها، افراد عقیده فردی خود را در مقابل عقیده اجتماعی می‌بینند و در بسیاری موارد در جهت پیام رسانه‌ها تغییر عقیده می‌دهند که این باعث می‌شود افراد دچار بیگانگی گردند (رحمان پور، ۱۳۸۹، ص ۳۳).

برخی متفکران معتقدند که رسانه‌هایی مانند ماهواره، ویدئو، نوار کاست، عکس و پوستر، مجلات و نشریات هم‌اکنون محتوایی دارند که مغایر با الگوهای فرهنگی و ارزش‌های سنتی نسل قبل است. محتواهای رسانه‌های فعلی پر از خشونت، مواد مخدر، رفتار تبه‌کارانه، کمدی، تخیل و ... است، به طوری که محتوای فرهنگی سنتی جوامع را دچار بحران و یا دگرگونی کرده است. در نتیجه رسانه‌های جمعی افراد را به صورت انفرادی به خود مشغول کرده، آنها را از تعامل با دیگران باز می‌دارند. بسیاری از جوانان ما به پاداش‌های فرهنگی جامعه ارزش لازم را قائل نیستند و به راحتی از طریق رسانه‌ها از فرهنگ‌های دیگر الگو می‌گیرند (بنی فاطمه و رسولی، ۱۳۹۰: ۲). همه این موارد نمایانگر ظهور نوع خاصی از بیگانگی هستند بیگانگی که ناظر بر جدایی فرد از نظام اجتماعی

نظم آن است که در نزد نظریه پردازانی چون دورکیم بیهنجاری یا آنومی خوانده می شود. بنابراین، تمامی نابسامانی‌ها، کژرفتاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی پیامد بی هنجاری، بیگانگی و بازبینی و نظارت ناکافی است. از سوی دیگر، نظریه انتقاد اجتماعی، نظام اجتماعی را مجموعه‌ای از تضادها و کشاکش‌های دائمی میان گروه‌ها، قشرها و طبقاتی می داند که دارای منافع، اهداف و آرمان‌های متفاوتی‌اند. نظریه انتقادی با گرایشی که به اصالت انسان دارد و انسان را خودآفرین، تاریخ آفرین و جامعه آفرین می داند، سرشت آدمی را با کار و آفرینندگی انسان مشخص می کند. اما این برداشت از سرشت آدمی را با توجه به نظریه الیناسیون و منطق جدلی باید درک و فهم نمود. از مقایسه دو نظریه نظم اجتماعی و انتقاد اجتماعی می توان استنباط کرد که ماهیت مسائل اجتماعی در نظریه نظم اجتماعی بی هنجاری (آنومی) است، حال آنکه در نظریه انتقاد اجتماعی بیگانگی انسان از فرآورده‌های فرهنگی و اجتماعی در نظر می آید. بیگانگی از عملکرد کل نظام اجتماعی سرچشمه می گیرد و علل اصلی را باید در ناهمسازی کارکرد نظام اجتماعی با نیازهای انسانی جستجو کرد (همان، ۱۳۸۱: ۱۴۰).

یکی از جنبه‌های بیگانگی، به بیگانگی فرد از دیگران مربوط می‌شود. چنانکه شواهد عصر اطلاعات نشان می‌دهند فردیت به صورت خصوصیت برجسته‌ی قرن حاضر درآمده است. جهانی که رو به اطلاعاتی شدن روزافزون ره می‌پیماید، حتی مجال کنش‌های متقابل انسان را نیز به تدریج از او باز ستانده، به طوری که انسان نشسته در پای کامپیوتر و سایر ابزار مشابه و از دور با هموعان در ارتباط است به نوعی جدایی فزاینده، انحطاط در روابط اجتماعی متعالی همچون خانواده و دوستان، بی توجهی به اجتماع با توجه دقیق به بهره‌ی فردی و حرکت به سوی غیر شخصی شدن افراطی در مناسبات می‌رسد و بیگانگی در او تشدید می‌شود. در کنار بیگانگی از دیگران، نوعی بیگانگی از "خود فعال" نیز پدید آمده که به نوعی انفعال، تسلیم و فرمانبرداری و سرانجام "آلت دست جهان پر قدرت بیرونی شدن"

می‌باشد. البته این موضوع نافی منافع ابزارهای تکنولوژیکی نیست اما نوع بهره برداری غیرفرهنگی از ابزارهای فنی موجب شده است که کارکرد آنها عمدتاً در جهت تقویت فردگرایی سوق پیدا کند. به عبارتی، اگر جریان فرهنگی شدن ابزارهای رسانه‌ای تحقق بیابد، مضرات آن‌ها به شدت کاهش می‌یابد و کارکرد اصلی خود را پیدا می‌کنند. گرچه برخی نظریه‌ها بیانگر این مطلب هستند که ذات ابزارهای الکترونیکی به دلیل استفاده از عنصر تغییر، نمی‌تواند موجد آرامش باشند، بلکه مخل آن می‌باشند. بنابراین، با توجه به مطالب طرح شده، این مقاله به دنبال پاسخ دهی به این سؤال است که، نقش رسانه‌های جمعی در میزان بیگانگی دانشجویان دانشگاه تبریز به چه میزان می‌باشد؟

چارچوب نظری تحقیق

بیگانگی در تعریف وسیع و عام به معنای احساس انفصال، جدایی و عدم پیوند ذهنی (شناختی) و عینی (کنشی) بین فرد و محیط پیرامون او (یعنی جامعه، انسان‌های دیگر، ساختارهای اجتماعی و خود) است. بیگانگی یکی از عوامل تاثیرگذار بر فرایندهای مشارکت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تلقی می‌شود (زکی، ۱۳۸۸: ۲۷).

به طور کلی، نظریه‌های بیگانگی در دو قلمرو نظری جامعه شناسی و روان شناسی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در قلمرو جامعه شناسی، آرا و نظریات جامعه شناسان در باب بیگانگی عمدتاً در دو نحله فکری و حوزه نظری یعنی نظم نظریه اجتماعی و نظریه انتقادی متمرکز است. در قلمرو روان شناسی نیز دو رویکرد روان پویایی و نظریه ساز و کار دفاعی مد نظر است (محسنی تبریزی، ۱۳۸۱: ۱۳۵-۱۴۲).

در نظریه نظم اجتماعی، جامعه، دستگاهی متشکل از اجزای هماهنگ با ارزش‌های هم‌رنگ است که پیوسته در حفظ و نگهداری تعادل و توازن می‌باشد. هرگونه تزلزلی در سلطه جامعه و اقتدار آمرانه آن، سبب سرگشتگی و تباهی انسان می‌شود. مفهوم اساسی در نظریه نظم اجتماعی نظام اجتماعی و از هم گسیختگی

نمودهای متفاوت رفتار بیگانه‌گونه را در پنج بعد ذیل بیان می‌کند:

احساس بی‌قدرتی: نوعی بیگانگی است که فرد احساس می‌کند در وضعیت‌های اجتماعی و کنش متقابل خود تأثیرگذار نیست (ستوده، ۱۳۸۰). به عبارت دیگر احساس بی‌قدرتی، عبارت از این تصور است که فرد احتمال می‌دهد که عمل او بی تأثیر باشد و نتایج مورد انتظار او را بر آورده نسازد. یا تصور این باور که رفتار او قادر به تحقق و تعیین نتایج مورد انتظار نبوده و وی را به هدفی که بر اساس آن کنش او تجهیز گردیده رهنمون نیست. سیمن معتقد است که این مفهوم از بیگانگی بیش از صور دیگر آن در ادبیات معاصر کاربرد دارد.

احساس بی‌معنایی: در این حالت فرد احساس می‌کند هیچ راهنمایی برای انتخاب سلوک و عقیده خود ندارد. بنابراین دچار ابهام و شک و تردید می‌شود و نمی‌تواند در تصمیم‌گیری، عقیده خود را با استانداردهای فرهنگی - اجتماعی موجود در جامعه وفق دهد. ممکن است در کاربرد مفهوم بی‌معنایی، حد بالایی از بیگانگی مورد نظر باشد و آن زمانی است که شخص نمی‌داند به چه چیزی باید اعتقاد داشته باشد وقتی که حداقل معیارهای فردی برای تصمیم‌گیری مشخص فراهم نیست. در حالی که معنای نخست بیگانگی به توانایی حسی برای کنترل پیامدها توجه دارد، دومین معنای بیگانگی در اصل به توانایی حسی برای پیش‌بینی و پیامدهای رفتاری مربوط می‌شود (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۷۸).

احساس بی‌هنجاری: دلالت بر وضعیتی دارد که در آن هنجارهای اجتماعی که سلوک فردی را نظم می‌بخشد، در هم شکسته شده یا تأثیر خودی را به عنوان قاعده از دست داده است (همان، ۱۳۷۸). به طور کلی درشرایطی که بین اهداف اجتماعی و وسایل و راههای رسیدن به آن اهداف تطابقی وجود نداشته باشد، در این صورت مسیر برای بروز بی‌هنجاری مناسب به نظر می‌رسد.

احساس انزوای اجتماعی: به حالتی گفته می‌شود که فرد احساس می‌کند با ارزشها و هنجارهای جامعه بیگانه شده است یعنی شخص احساس تنهایی می‌کند

انجامیده است گویی که حیات انسان‌ها به خود آنها متعلق نیست چرا که عناصر و اجزاء زندگی شان به دست نیروهای غیر شخصی به ظاهر خارج از اراده و اختیار آنهاست، عمل می‌کند. نتیجه‌ی نهایی تمام این انفعالات، رسیدن به نقطه‌ای است که به درستی می‌توان آن را "احساس بی‌قدرتی" نام نهاد (صدقاتی فرد و ابی زاده، ۱۳۹۰: ۱۳۳).

به نظر فردینبرگ، بیگانگی محصول و معلول نارضایتی و ناخرسندی است. فرض اصلی او در باب علل بیگانگی نسل جوان این است که فرد نارضایتی خود را به صورت رفتار ناسازگارانه در قابل ارزش‌ها، هنجارها و ضوابط اجتماعی نهادی شده بروز داده و در مقابل آن ژستی دفاعی همراه با احساس نفرت، بدبینی، انفعال و بی تفاوتی نشان می‌دهد. از عوامل دیگر بروز بیگانگی و احساس نارضایتی، سرکوب شدن مفهوم فردیت و هتک شخصیت فردی، مشغله فکری خصوصاً سرو کار مفرط با مفاهیم تجریدی و انتزاعی و غلبه ارزش‌ها و احساسات گروه بر ارزش‌ها و عواطف فردی است (محسنی تبریزی، ۱۳۷۰: ۶۹). فردینبرگ نارضایتی را هم علت بیگانگی و هم عامل مهم در بروز رفتارهای ناسازگارانه و ضداجتماعی می‌داند (رزقی، ۱۳۸۷: ۷۳).

سیمن بیگانگی را معلول علت واحدی نمی‌داند، او در اشاره به رواج و توسعه این مفهوم در جامعه معاصر، این نکته را متذکر می‌شود که ساختار دیوان سالاری جدید شرایطی را به وجود آورده است که در آن انسانها قادر به فراگیری نحوه چگونگی کنترل عواقب و نتایج اعمال و رفتارهای خود نیستند، او با توضیح و تفسیر انواع بیگانگی به دو مفهوم کلیدی و اساسی در بیگانگی اشاره دارد: انتظار فرد در مقابل پادشاهی دریافتی؛ به نظر سیمن «نحوه کنترل و مدیریت جامعه بر سیستم پادشاهی اجتماعی به گونه‌ای است که فرد ارتباطی بین رفتار خود و پادشاه مأخوذه از جامعه نمی‌تواند بر قرار کند، در چنین وضعیتی است که احساس بیگانگی بر فرد مستولی می‌گردد و او را به واکنشی منفعلانه و ناسازگارانه در قبال جامعه سوق می‌دهد» (seeman, 1959: 791). سیمن

و بیگانگی اجتماعی دانش آموزان مشاهده می‌شود (ربانی، ۱۳۷۲).

علی اکبر عمید در پژوهشی که درباره ی بیگانگی اجتماعی در میان دانش آموزان گرگان در سال ۱۳۷۸ انجام داده است با استفاده از نظریه‌های بیگانگی اجتماعی مارکس، مارکوزه، مانهایم، ملوین سیمن و فردینبرگ به ارائه ی فرضیه‌ها و تنظیم پرسشنامه مبادرت کرده است. نتایج تحقیق که به روش پیمایشی انجام شده است بیانگر آن است که میزان دینداری، مشارکت اجتماعی، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و رضایت کلی از زندگی با بیگانگی اجتماعی رابطه معکوس دارند و در این تحقیق بیش از نیمی از دانش آموزان مورد بررسی، دچار بیگانگی اجتماعی بودند (عمید، ۱۳۷۸).

رستمی‌هوارق به بررسی عوامل اجتماعی موثر بر بیگانگی از کار و رضایت شغلی کارگردانان شبکه‌های اول و دوم سیمای جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. هدف اصلی این تحقیق بررسی عوامل موثر بر بیگانگی از کار بوده است. محقق با استفاده از نظریه ملوین سیمن، میلتن کونور و سوانسون به ارائه نظریه‌ها پرداخته است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که هر چه تحصیلات فرد بیشتر باشد و سابقه کاری بیشتری داشته باشد بیگانگی از کار کمتری را تجربه می‌کند و هر چه رابطه دوستانه غیر صمیمی فرد بیشتر باشد میزان بیگانگی از کار کمتر می‌باشد (رستمی، ۱۳۸۰).

علیرضا محسنی تبریزی (۱۳۸۱) در پژوهشی به بررسی آسیب شناسی بیگانگی اجتماعی فرهنگی: بررسی انزوای ارزشی در دانشگاه‌های دولتی تهران پرداخته است. این پژوهش با کاربرد روش پیمایش و با استفاده از تکنیک پرسشنامه هدایت شده در میان ۱۴۴ نفر از دانشجویان مقاطع سه گانه تحصیلی در دانشگاه‌های دولتی شهر تهران انجام گرفته است. بر اساس نتایج این تحقیق، انزوای ارزشی متاثر از عوامل مختلفی است که در شبکه ای از روابط علی با یکدیگر و به صورت مرکب و مجموع قرار دارند. متغیرهای مطلوبیت شرایط خانوادگی، مطلوبیت شرایط آموزشی، پایگاه

و می‌خواهد از دیگران کناره گیری کند. فردی که احساس کناره گیری می‌کند یا به اصطلاح می‌گریزد، به این معنا است که او اعتقادی به شیوه‌های کارکرد جامعه ندارد و چون نمی‌تواند این روابط و هدف‌ها را نفی کند، با گوشه نشینی و جامعه‌گریزی خود را از گزند دیگران به حاشیه می‌کشد و کناره گیری اختیار می‌کند. ممکن است فرد این حالت انفعالی را به همه چیز تعمیم دهد و همه هدف‌ها را در زندگی اجتماعی و حتی خصوصی خویش رها کند و در لاک خویش فرو رود (ستوده، ۱۳۸۰). در حالت کلی این احساس مبین انفکاک فکری فرد از استانداردهای فرهنگی و بیگانگی او از نظام اجتماعی است به عبارتی فرد از متن اجتماع و ارزشهای حاکم در آن جدا می‌شود (رسولی، ۱۳۸۵، ص ۵۳).

خود بیزاری (تنفر از خود): این حالت عبارت است از احساس ناتوانی فرد در انجام فعالیت‌هایی که او را ارضا کند. فرد طی این احساس در فعالیت‌هایی که فی نفسه فاقد پاداش می‌باشد مشغول می‌شود بدون اینکه برای خود چیزی در برداشته باشد. به عبارتی دیگر حالتی را که شخص در آن نسبت به احساس واقعی، علاقه‌ها و باورهایش بیگانه می‌شود و نسبت به خود احساس بیگانگی می‌کند، در چنین وضعیتی شخص از خویشتن خویش جدا می‌شود زیرا او از هیچ به خاطر خود آن چیز لذت نمی‌برد (رحمان پور، ۱۳۸۹: ۱۴).

پیشینه تجربی تحقیق

ربانی (۱۳۷۲) در تحقیقی به بررسی مورد بیگانگی اجتماعی در بین پذیرفته شدگان مرکز آموزشی علامه حلی تهران پرداخته است. در این پژوهش، با استفاده از مقیاس اسرول میزان بیگانگی اجتماعی دانش آموزان مورد سنجش قرار گرفته است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که بیگانگی اجتماعی با محل تولد، شغل والدین، پایگاه اقتصادی-اجتماعی والدین و شاغل یا خانه دار بودن مادر، بعد خانواده، میزان خلاقیت و ابتکار دانش آموز، میزان تحصیلات والدین، گرایش سنی یا مدرن خانواده و علائق مذهبی دانش آموزان رابطه معنی‌داری ندارد تنها رابطه معنی‌داری بین نوع خانواده

احساس بی‌قدرتی، بی‌هنجاری و انزوای اجتماعی، ارتباط این ابعاد با مولفه‌های بی‌تفاوتی سیاسی توجه نموده و تحلیل آماری بین شاخص‌های بیگانگی از یک طرف و شاخص‌های بی‌تفاوتی از طرف دیگر را در کنار متغیرهای کنترل، منزلت شغلی افراد، سن و درآمد آنها مورد بررسی قرار داده است و نتایج حاصله حکایت از این دارد که ارتباط معنی‌داری بین بی‌تفاوتی در رأی‌گیری و متغیرهای کنترل و همچنین از بین مولفه‌های مرتبط بامتیرهای مستقل، احساس بی‌قدرتی و بی‌هنجاری در سطح قابل قبول می‌باشد (Deen, 1979: 196).

لی‌چن تحقیقی با عنوان عوامل اجتماعی مؤثر بر بیگانگی در میان دانشجویان تایوانی در سال ۲۰۰۱ انجام داده است. تعداد نمونه ی آماری این تحقیق ۷۰۸ دانشجوی رشته‌های مختلف دانشگاه ملی تایوان می‌باشد. تحقیق از نوع پیمایشی است و ابزار اندازه‌گیری نیز پرسشنامه می‌باشد و در آن از طیف لیکرت استفاده شده است. نتایج تحقیق نشانگر آن است که بین خاستگاه اجتماعی، تحصیلات مادر رابطه معنی‌داری وجود دارد و تحصیلات مادر رابطه معنی‌داری را با انزوای اجتماعی و بی‌معنایی نشان می‌دهد در حالی که تحصیلات پدر به تنهایی با بی‌هنجاری رابطه معنی‌داری دارد. هم‌چنین بین سن و جنس و بیگانگی رابطه معنی‌داری دیده می‌شود (MA, 2001: 672؛ به نقل از رسولی، ۱۳۸۵).

فرضیه‌های تحقیق

- بین میانگین سطح استفاده از تلویزیون و بیگانگی دانشجویان تفاوت معنی‌داری وجود دارد.
- بین میانگین سطح استفاده از ماهواره و بیگانگی دانشجویان تفاوت معنی‌داری وجود دارد.
- بین میانگین سطح استفاده از اینترنت و بیگانگی دانشجویان تفاوت معنی‌داری وجود دارد.
- بین میانگین سطح استفاده از رادیو و بیگانگی دانشجویان تفاوت معنی‌داری وجود دارد.
- بین میانگین سطح استفاده از کتاب و بیگانگی دانشجویان تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

اقتصادی - اجتماعی، رضایت از زندگی، احساسا ستیز با والدین، و ضدیت با جامعه به طور مستقیم و غیرمستقیم بر انزوای ارزشی اثر گذاشته‌اند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۱).

کلانتری و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی جامعه‌شناختی عوامل فرهنگی و اجتماعی موثر بر از خود بیگانگی اجتماعی پرداختند. این پژوهش، با استفاده از ابزار پرسشنامه محقق ساخته در میان ۳۰۰ نفر از شهرنشینان شهر گیوی انجام گرفته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بین متغیرهای محل سکونت، سن، دینداری و رسانه‌ها و از خود بیگانگی اجتماعی رابطه منی وجود ندارد در حالی که بین خرافات اجتماعی، جنسیت و پایگاه اقتصادی - اجتماعی و از خود بیگانگی اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۱).

پژوهش دیگری برای بررسی رابطه میان بیگانگی دانشجویان دانشگاه، موفقیت تحصیلی و استفاده از وب سایت در میان ۵۳ دانشجوی روان‌شناسی انجام پذیرفت. در این راستا نخست از مقیاسی برای سنجش بیگانگی دانشجویان که بصورت طیف لیکرت بوده و از آیتم‌های هشت تایی تشکیل شده بود استفاده شد، دوم سنجش موفقیت تحصیلی که با چهار نوع از سوالات چندگزینه‌ی که تسلط نسبت به محتوای رشته را می‌سنجید صورت پذیرفت و سوم بررسی میزان استفاده از وب سایت در بین دانشجویان مورد سوال قرار گرفت. یافته‌های پژوهش حاکی از آن بوده است که بیگانگی دانشجویان با کاربرد فزاینده وب سایت ارتباط معناداری نشان می‌دهد، عبارتی، بیگانگی علمی و بیگانگی از رشته تحصیلی با کاربرد پایین وب سایت مرتبط بوده است. از طرف دیگر، بیگانگی علمی ارتباط معکوسی با موفقیت تحصیلی نشان داده و همین ارتباط معنادار بین موفقیت تحصیلی و دانشجویانی که از وب سایت استفاده می‌کردند وجود داشته است (Johnson, 2005: 179)

دین در تحقیقی با عنوان بررسی رابطه بیگانگی و بی‌تفاوتی سیاسی با مطرح ساختن سه بعد از بیگانگی،

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای تحقیق

بیگانگی اجتماعی: عبارت است از حالتی که فرد احساس می‌کند جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند خرد کننده و مغایر با نیازمندی‌های اوست، در نتیجه این فرآیند باعث جدایی ذهنی و عینی او از جامعه می‌شود به گونه‌ای که هیچ تعلق نسبت به آن نداشته و حتی در برخی موارد درصدد نفی آن نیز بر می‌آید (ربانی، ۱۳۷۲، ص ۴۱). بیگانگی اجتماعی با توجه به مقیاس ملوین سیمن با ابعاد زیر مشخص می‌شود: احساس بی‌قدرتی، احساس بی‌معنایی، احساس بی‌هنجاری، احساس انزوای اجتماعی و احساس بیزاری از خود. که برای هر یک از این ابعاد معرف‌هایی تعیین گردید. بنابراین ۲۴ گویه بر اساس طیف لیکرت برای سنجش بیگانگی دانشجویان تنظیم شده است.

احساس بی‌قدرتی: احساس بی‌قدرتی، عبارت از این تصور است که فرد احتمال می‌دهد که عمل او بی‌تأثیر باشد و نتایج مورد انتظار او را بر آورده نسازد. برای عملیاتی کردن این مفهوم، از ۵ گویه استفاده شده که، شامل گویه ۱ تا ۵ است که دارای سطح سنجش فاصله‌ای می‌باشند.

احساس بی‌معنایی: فرد احساس می‌کند هیچ راهنمایی برای انتخاب سلوک و عقیده خود ندارد. بنابراین دچار ابهام و شک و تردید می‌شود و نمی‌تواند در تصمیم‌گیری، عقیده خود را با استانداردهای فرهنگی - اجتماعی موجود در جامعه وفق دهد (محسنی تبریزی، ۱۳۷۰). برای عملیاتی کردن این مفهوم، از گویه‌های ۱۶ تا ۱۸ استفاده شده که دارای سطح سنجش فاصله‌ای می‌باشند.

احساس بی‌هنجاری: درشرایطی که بین اهداف اجتماعی و وسایل و راه‌های رسیدن به آن اهداف تطابقی وجود نداشته باشد، در این صورت مسیر برای بروز بی‌هنجاری مناسب به نظر می‌رسد. از گویه‌های ۱۹ تا ۲۴ برای سنجش این مفهوم استفاده شده که دارای سطح سنجش فاصله‌ای می‌باشند.

- بین میانگین سطح استفاده از مجلات و بیگانگی دانشجویان تفاوت معنی‌داری وجود دارد.
- میانگین بیگانگی دانشجویان بر حسب جنسیت آنها متفاوت می‌باشد.
- میانگین بیگانگی دانشجویان بر حسب وضعیت تأهل آنها متفاوت می‌باشد
- بین سن دانشجویان و میزان بیگانگی آنها رابطه معنی‌داری وجود دارد.

مدل نظری تحقیق

بر اساس چرچوب نظری و پیشینه تجربی تحقیق، مدل تحلیلی تحقیق ارائه گردید. (مدل ۱)

روش پژوهش

این تحقیق از لحاظ معیار اجرایی، تحقیق کاربردی است. و با توجه به این که این تحقیق شامل جمع‌آوری اطلاعات به طور مستقیم از گروهی از افراد است که شامل بیان عقیده و احساس آنهاست، از روش پیمایش استفاده شده است. از نظر زمانی نیز جزء تحقیقات مقطعی است. از نظر شیوه‌های گردآوری اطلاعات، از پرسشنامه استفاده شده است جامعه آماری تحقیق کلیه دانشجویان دانشگاه تبریز را شامل می‌شود؛ که تعداد دقیق دانشجویان بر اساس آمار سال ۱۳۹۱، ۱۸۲۳۹ می‌باشد، که با استفاده از شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. برای برآورد حجم نمونه از فرمول کوکران به شرح زیر، استفاده شده است

$$n = \frac{N t^2 pq}{Nd^2 + t^2 pq} = \frac{(18239)(1.96)^2(0.5 \times 0.5)}{(18239)(0.5) + (1.96)^2(0.5 \times 0.5)} = 380$$

براساس فرمول تعیین حجم نمونه کوکران، تعداد نمونه‌ای که به این طریق به دست می‌آید ۳۸۰ نفر است.

حداکثر متغیر بیگانگی اجتماعی را به تفکیک عوامل ۵ گانه نشان می‌دهد. (جدول ۲)

بیگانگی اجتماعی و میزان استفاده از تلویزیون

برای آزمون تفاوت میانگین بیگانگی بر حسب میزان استفاده از تلویزیون، از آزمون تحلیل واریانس یکطرفه استفاده شده است. نتایج تحلیل واریانس نشان دهنده آن است که تفاوت میانگین بیگانگی اجتماعی دانشجویان بر حسب میزان استفاده از تلویزیون آنها معنی‌دار است. (جدول ۳)

بیگانگی اجتماعی و میزان استفاده از ماهواره

برای آزمون رابطه بیگانگی بر حسب میزان استفاده از ماهواره، از آزمون تحلیل واریانس یکطرفه استفاده شده است. نتایج تحلیل واریانس نشان دهنده آن است که با توجه به سطح معنی‌داری به دست آمده از آزمون (۰/۰۰۱) میانگین بیگانگی اجتماعی دانشجویان بر حسب میزان استفاده آنها از ماهواره تفاوت معنی‌داری دارد. نتایج آزمون تحلیل واریانس یکطرفه بیگانگی اجتماعی بر حسب استفاده از ماهواره در جدول شماره (۳) آورده شده است.

بیگانگی اجتماعی و میزان استفاده از اینترنت

برای آزمون رابطه بیگانگی بر حسب میزان استفاده از اینترنت، از آزمون تحلیل واریانس یکطرفه استفاده شده است. سطح معنی‌داری به دست آمده (۰/۰۰۰) از نتایج تحلیل واریانس نشان دهنده آن است که تفاوت میانگین بیگانگی بر حسب میزان استفاده از اینترنت معنی‌دار است. یعنی میانگین بیگانگی اجتماعی دانشجویان بر حسب استفاده آنها از اینترنت تفاوت معنی‌داری دارد. نتایج آزمون تحلیل واریانس بیگانگی اجتماعی بر حسب استفاده از اینترنت در جدول شماره (۳) آورده شده است.

بیگانگی اجتماعی و میزان استفاده از رادیو

برای آزمون رابطه بیگانگی بر حسب میزان استفاده از رادیو، از آزمون تحلیل واریانس یکطرفه استفاده شده است. نتایج تحلیل واریانس در جدول شماره (۳)

احساس انزوای اجتماعی: فرد احساس می‌کند با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه بیگانه شده است یعنی شخص احساس تنهایی می‌کند و می‌خواهد از دیگران کناره‌گیری کند. از گویه‌های ۶ تا ۱۰ برای سنجش این مفهوم استفاده شده که دارای سطح سنجش فاصله‌ای می‌باشند.

احساس بیزاری از خود: عبارت است از احساس ناتوانی فرد در انجام فعالیت‌هایی که او را ارضا کند. برای عملیاتی کردن این مفهوم از گویه‌های ۱۱ تا ۱۵ استفاده شده که دارای سطح سنجش فاصله‌ای می‌باشند.

اعتبار و روایی تحقیق

در پژوهش حاضر، اعتبار گویه‌های پرسشنامه، از طریق اعتبار محتوایی از نوع صوری برآورده شده است. یعنی سؤالات پرسشنامه بعد از طراحی در اختیار چند تن از متخصصین علوم اجتماعی قرار گرفته و بعد از تأیید ایشان، پرسشنامه نهایی طراحی گردیده است. روایی گویه‌های پرسشنامه نیز به تفکیک هر یک از متغیرها، با استفاده از تکنیک آلفای کرونباخ به دست آمده است. (جدول ۱)

یافته‌ها

بر اساس اطلاعات به دست آمده از نتایج توصیفی تحقیق، ۵۱ درصد (۱۹۵ نفر) پاسخگویان مرد و ۴۹ (۱۸۵ نفر) درصد آنها زن بودند. همچنین، ۹۲ درصد (۳۵۰ نفر) پاسخگویان مجرد و ۸ درصد (۳۰ نفر) آنها متأهل بودند. میانگین سنی پاسخگویان در جامعه آماری مورد مطالعه ۲۲/۳۲ سال بوده، به طوری که کوچکترین آنها ۱۸ سال و بزرگترین شان ۳۴ سال داشتند.

متغیر بیگانگی اجتماعی با ۵ عامل مورد سنجش قرار گرفته است، که مطابق اطلاعات جدول شماره (۲)، میانگین این متغیر در جامعه آماری مورد مطالعه، حدود ۵۴ بوده است. جدول شماره (۲) میانگین و حداقل و

دو متغیر، میزان همبستگی بین این دو متغیر معکوس می‌باشد، یعنی با بالا رفتن سن، بیگانگی اجتماعی پایین می‌آید. به عبارتی در سنین بالا میزان بیگانگی اجتماعی پایین تر است.

جنسیت و بیگانگی اجتماعی

برای آزمون معنی‌داری تفاوت میانگین متغیر بیگانگی اجتماعی بر حسب جنسیت، از آزمون T استفاده شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که میانگین بیگانگی اجتماعی برای مردان ۵۴/۹۱ و برای زنان ۵۳/۲۱ می‌باشد. بنابراین با توجه به این که سطح معنی‌داری به دست آمده بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد، در نتیجه تفاوت معنی‌داری بین میانگین‌های دو گروه زنان و مردان در متغیر بیگانگی اجتماعی وجود ندارد. (جدول ۴)

وضعیت تأهل و بیگانگی اجتماعی

برای آزمون رابطه بین وضعیت تاهل و میزان بیگانگی اجتماعی با توجه به سطوح اندازه گیری آنها از آزمون T-Test استفاده شده است. نتیجه آزمون t، نشان می‌دهد که با توجه به سطح معنی‌داری به دست آمده (۰/۶۲۹) تفاوت معنی‌داری بین میانگین دانشجویان متاهل و مجرد در متغیر بیگانگی اجتماعی وجود ندارد. چنانچه در جدول شماره (۵) مشاهده می‌شود میانگین بیگانگی اجتماعی برای مجردین ۵۴/۱۵ و برای متاهلین ۵۳/۳۰ به دست آمده است. (جدول ۵)

بحث و نتیجه‌گیری

هدف مقاله حاضر، بررسی بیگانگی اجتماعی و ارتباط آن با رسانه‌های اجتماعی در میان دانشجویان دانشگاه تبریز می‌باشد. مطابق اطلاعات به دست آمده، میانگین بیگانگی اجتماعی دانشجویان در دامنه ۲۹ تا ۸۹، حدود ۵۴ به دست آمده، که نشان می‌دهد میزان بیگانگی اجتماعی دانشجویان متوسط به پایین بوده است. بنابراین، می‌توان گفت که با توجه به اینکه مفهوم بیگانگی به معنای فاصله گرفتن فرد از جامعه و ساختارهای اجتماعی پیرامون خود است، این مسئله کمتر توانسته است در جامعه دانشگاهی رسوخ کرده و به

نشان‌دهنده آن است که تفاوت میانگین بیگانگی بر حسب میزان استفاده از رادیو معنی‌دار نمی‌باشد. یعنی با توجه به سطح معنی‌داری به دست آمده (۰/۵۷۹) میزان بیگانگی اجتماعی دانشجویان بر حسب میزان استفاده آنها از رادیو تفاوت معنی‌داری ندارد.

بیگانگی اجتماعی و میزان استفاده از کتاب

برای آزمون رابطه بیگانگی بر حسب میزان استفاده از کتاب، از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شده است. نتایج تحلیل واریانس نشان‌دهنده آن است که تفاوت میانگین بیگانگی بر حسب میزان استفاده از کتاب معنی‌دار است (سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰) یعنی چنین استنباط می‌گردد که میزان بیگانگی اجتماعی دانشجویان بر حسب میزان تاثیرپذیری آنها از کتاب تفاوت معنی‌داری دارد. نتایج آزمون تحلیل واریانس در جدول شماره (۳) آورده شده است

بیگانگی اجتماعی و میزان استفاده از مجلات

برای آزمون رابطه بیگانگی بر حسب میزان استفاده از مجلات، از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شده است. نتایج تحلیل واریانس در جدول شماره (۳) نشان‌دهنده آن است که تفاوت میانگین بیگانگی بر حسب میزان استفاده از مجلات معنی‌دار نمی‌باشد، و این از سطح معنی‌داری آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه استنباط می‌شود که با توجه به سطح معنی‌داری به دست آمده (۰/۰۶۱) تاثیر پذیری از مجلات نمی‌تواند تفاوت معنی‌داری در میزان بیگانگی اجتماعی دانشجویان به همراه داشته باشد.

سن و بیگانگی اجتماعی

با توجه به این که هر دو متغیر سن و بیگانگی در مقیاس فاصله‌ای اندازه گیری شده‌اند برای سنجش رابطه بین دو متغیر از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است نتایج به دست آمده از این آزمون حاکی از آن است که با توجه به سطح معنی‌داری به دست آمده ۰/۰۱۶، رابطه معنی‌داری بین سن و بیگانگی اجتماعی در سطح اطمینان ۹۵ درصد وجود دارد، لیکن، ضریب همبستگی به دست آمده ۰/۱۲۴- نشان می‌دهد که علی‌رغم ضعیف بودن رابطه بین این

کتاب دارای تفاوت معنی‌داری می‌باشد به طوری که سطح احتمال به دست آمده از آزمون تحلیل واریانس یکطرفه آزمون تفاوت میانگین بیگانگی اجتماعی با هر کدام از متغیرهای ماهواره، اینترنت و کتاب به ترتیب (۰/۰۰۱، ۰/۰۰۰، ۰/۰۰۰) به دست آمده است. با توجه به این فرضیه، می‌توان نتیجه گرفت که دانشجویانی که از هر کدام از این رسانه‌های جمعی بیشتر استفاده می‌کنند بیشتر در معرض بیگانگی اجتماعی قرار می‌گیرند و بالعکس، میزان بیگانگی اجتماعی پایین‌تر متعلق به دانشجویانی است که با ماهواره، اینترنت و کتاب زیاد انس نگرفته‌اند. پژوهش جانسون نیز، یافته‌های این پژوهش را تایید می‌کند که، بیگانگی دانشجویان با کاربرد فزاینده وب سایت ارتباط معناداری نشان می‌داده، عبارتی، بیگانگی علمی و بیگانگی از رشته تحصیلی با کاربرد پایین وب سایت مرتبط بوده است. (Johnson, 2005). عمید نیز در پژوهش خود بر این موضوع صحنه می‌گذارد که میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی با بیگانگی اجتماعی رابطه معکوس و معمی‌داری دارند (عمید، ۱۳۷۸). در تبیین این موضوع، برخی متفکران معتقدند که رسانه‌هایی مانند ماهواره، ویدئو، نوار کاست، عکس و پوستر، مجلات و نشریات هم اکنون محتوایی دارند که مغایر با الگوهای فرهنگی و ارزش‌های سنتی نسل قبل است. محتوای رسانه‌های فعلی پر از خشونت، مواد مخدر، رفتار تبهکارانه، کمدی، تخیل و ... است، به طوری که محتوای فرهنگی سنتی جوامع را دچار بحران و یا دگرگونی کرده است. در نتیجه رسانه‌های جمعی افراد را به صورت انفرادی به خود مشغول کرده، آنها را از تعامل با دیگران باز می‌دارند. بسیاری از جوانان ما به پادشاه‌های فرهنگی جامعه ارزش لازم را قائل نیستند و به راحتی از طریق رسانه‌ها از فرهنگ‌های دیگر الگو می‌گیرند (بنی فاطمه و رسولی، ۱۳۹۰: ۲).

از میان رسانه‌های جمعی، سطح استفاده از رادیو و مجلات، دو رسانه‌ای بودند که با بیگانگی اجتماعی دانشجویان رابطه‌ای نداشتند. به طوریکه سطح معنی‌داری به دست آمده از آزمون تحلیل واریانس یکطرفه بیگانگی اجتماعی با هر کدام از متغیرهای

یک امر شایع بدل شود و لذا، پایین بودن میزان بیگانگی نشان از کارکردهای صحیح جامعه دانشگاهی در ارتباط با جلوگیری از بروز بیگانگی در میان دانشجویان است (زکی، ۱۳۸۸: ۲۷). هم‌چنین، از میان ابعاد پنج گانه بیگانگی اجتماعی، میانگین بعد بی‌قدرتی، از حد متوسط پایین‌تر بوده لیکن، ابعاد انزوای اجتماعی، بیزاری از خود، بی‌معنایی و بی‌هنجاری میانگین بالاتر از متوسط داشتند.

هم‌چنان که در فرضیه اول این پژوهش مطرح گردید و یافته‌های پژوهش نیز این موضوع را تایید می‌کند، میانگین بیگانگی اجتماعی دانشجویان بر حسب سطح استفاده از تلویزیون تفاوت معنی‌داری داشته، و سطح معنی‌داری به دست آمده (۰/۰۲۰) از آزمون تحلیل واریانس یکطرفه این موضوع را تایید می‌کند. یعنی میانگین سطح استفاده از تلویزیون در حالت کلی بر بیگانگی اجتماعی دانشجویان تاثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر، دانشجویانی که تلویزیون زیاد تماشا می‌کنند بیشتر در معرض بیگانگی قرار می‌گیرند و کمترین میزان بیگانگی در بین افرادی است که استفاده آنها از تلویزیون کم است. در دوران معاصر که به عصر اطلاعات و جامعه اطلاعاتی و ارتباطی معروف است، بخش عظیمی از جامعه پذیری نسل‌ها از طریق رسانه‌های جمعی به ویژه تلویزیون انجام می‌شود و نفوذ و تاثیر رسانه تا جایی است که برخی از نظریه پردازان ارتباطی بر این باورند که رسانه‌ها اولویت ذهنی و حتی رفتاری ما را تعیین می‌کنند. رسانه‌ها از طریق ارائه درست و یا نادرست مطالب باعث جهت‌گیری افراد می‌گردند و به نوعی قادرند یک طرز تفکر عمومی در جامعه ایجاد کنند. به دلیل ارائه پیام از طریق رسانه‌ها، افراد عقیده فردی خود را در مقابل عقیده اجتماعی می‌بینند و در بسیاری موارد در جهت پیام رسانه‌ها تغییر عقیده می‌دهند که این باعث می‌شود افراد دچار بیگانگی گردند (رحمان پور، ۱۳۸۹: ۳۳).

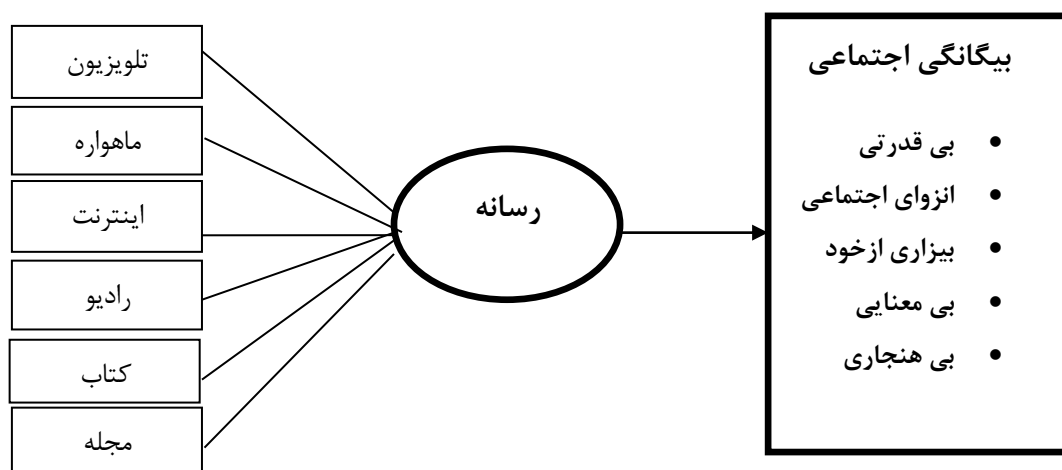
هم‌چنین، نتایج آزمون فرضیه‌های دیگر نشان می‌دهد که، میانگین بیگانگی اجتماعی دانشجویان بر حسب استفاده از ماهواره، استفاده از اینترنت و سطح استفاده از

همچنین درباره ارتباط دو متغیر زمینه ای جنسیت و وضعیت تاهل نیز، نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که میانگین بیگانگی اجتماعی بر حسب جنسیت و وضعیت تاهل دانشجویان تفاوت معنی‌داری ندارد. یعنی دو عامل جنسیت و وضعیت تاهل نمی‌توانند به عنوان تعیین کننده میزان بیگانگی در دانشجویان قلمداد شوند.

با توجه به مطالب مطرح شده در این مقاله، بیشتر افرادی که دچار بیگانگی شده‌اند بیشتر نسل جوان هستند و بیشتر در معرض تنش‌ها و آسیب‌های اجتماعی ناشی از رسانه‌ها هستند، لذا پیشنهاد می‌گردد که، با مطالعه و بررسی تاثیرات محتوایی رسانه‌های جمعی، در جهت تقویت درونمایه‌های مناسب و صحیح، راهکارهایی برای کاهش بیگانگی، و بهبود شرایط زندگی نسل جوان و به خصوص دانشجویان اتخاذ گردد. نکته بعدی اینکه، یکی از ابعاد مهم توسعه در هر کشوری، توسعه ی انسانی است، و نیروی انسانی فارغ از آسیب‌های اجتماعی یکی از ملزومات مهم توسعه انسانی می‌باشد، پس بنابراین، کاهش مشکلات و بهبود وضعیت آن‌ها به عنوان یک سرمایه ی ملی باید یکی از محورهای مهم توسعه تلقی گردد.

استفاده از رادیو و سطح استفاده از مجلات به ترتیب (۰/۵۷۹، ۰/۰۶۱) به دست آمده است. یعنی دو رسانه رادیو و مجلات فاکتور تعیین کننده در بیگانگی اجتماعی دانشجویان به حساب نمی‌آیند. در عصر امروز به دلیل پشرفت سریع رسانه‌های ارتباطی، رادیو و مجلات، تا حدودی نقش تعیین کننده ای عصر ارتباطات ایفا نمی‌کنند شاید به همین دلیل است که رادیو، دیگر رسانه تاثیرگذاری در ارائه ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی دانشجویان تلقی نمی‌شود و لذا نمی‌تواند در بیگانگی اجتماعی دانشجویان تفاوت معنی‌داری را ایجاد کند

از میان متغیرهای زمینه‌ای مورد استفاده در این پژوهش، سن رابطه معکوس و معنی‌داری با بیگانگی اجتماعی در سطح اطمینان ۹۵ درصد داشته، و همبستگی این دو متغیر (۰/۱۲۴-) بوده است. بنابراین، می‌توان گفت که متغیر بیگانگی اجتماعی در نسل جوان و در سنین پایین تر شیوع بیشتری دارد و هر چه افراد سال‌های بیشتری از عمر خود را سپری می‌کنند به همان نسبت نیز از میزان بیگانگی اجتماعی آنها کاسته می‌شود و ثبات بیشتری را در ارتباط با پیرامون خود تجربه می‌کنند.



مدل ۱ - مدل تحلیلی تحقیق بر اساس چارچوب نظری و پیشینه تجربی

جدول ۱ - نتایج ضریب آلفای کرونباخ متغیر بیگانگی اجتماعی به تفکیک ابعاد آن

متغیرها	گویه‌ها	روایی کل
احساس بی‌قدرتی	۱- در برخورد با مشکلاتی بیش از پیش احساس ناتوانی می‌کنم.	۰/۶۹۰
	۲- موقع دفاع از خود در برابر استادان خودم را ناتوان می‌بینم.	
	۳- احساس می‌کنم تسلط چندانی بر زندگی خود ندارم.	
	۴- از دست افرادی مثل من، کار زیادی برای اصلاح ساختار دانشگاه بر نمی‌آید.	
	۵- نحوه پوشش من باید مطابق میل خانواده باشد.	
احساس انزوای اجتماعی	۶- بیشتر اوقات دوست دارم تنها باشم.	۰/۵۵۰
	۸- دوست ندارم مشکلاتم را با دیگران مطرح کنم.	
	۹- احساس می‌کنم در امورات زندگی تنها رها شده‌ام.	
	۱۰- افرادی که مانند من فکر می‌کنند تعدادشان زیاد نیست.	
احساس بی‌بزاری از خود	۱۱- از شرایط زندگی خود متنفرم.	۰/۷۱۲
	۱۲- احساس می‌کنم از دیگران عقب تر هستم.	
	۱۳- من به درد هیچ کاری نمی‌خورم.	
	۱۴- گاهی وقتها از کارهای خودم بدم می‌آید.	
	۱۵- معمولاً خود را انسان مفیدی می‌دانم.	
احساس بی‌معنایی	۱۶- بعضی وقتها احساس می‌کنم که این دنیا معنا و مفهومی ندارد.	۰/۶۲۷
	۱۷- آینده‌ی شغلی دانشجویان مبهم است.	
	۱۸- آینده‌ی جامعه را تیره و تاریک می‌بینم.	
احساس بی‌هنجاری	۱۹- برای رسیدن به هدف می‌توان دست به هر کاری زد.	۰/۶۹۲
	۲۰- به نظر من جشن‌های مختلط در عروسی‌ها نوعی روشنفکری است.	
	۲۱- کسانی که قانون را رعایت می‌کنند به خاطر ترس از دولت است.	
	۲۲- حجاب نوعی محدودیت برای زنان است.	
	۲۳- حضور یک زن در جمع مردانه نوعی آزادی برای اوست.	
	۲۴- از طریق رابطه‌ی دوستی با نامحرم‌ان می‌توان در زندگی تجربه کسب کرد.	

جدول ۲ - توزیع فراوانی بیگانگی اجتماعی و ابعاد آن

متغیرها	بیگانگی اجتماعی	بی‌قدرتی	انزوای اجتماعی	بی‌بزاری از خود	بی‌معنایی	بی‌هنجاری
میانگین	۵۴/۰۹	۱۱/۷۸	۹/۷۰	۱۰/۴۴	۸/۵۹	۱۳/۵۸
حداقل	۲۹	۵	۴	۵	۳	۶
حداکثر	۸۹	۲۰	۱۶	۱۴	۹	۱۸

جدول ۳ - نتایج آزمون آنالیز واریانس یک طرفه بین بیگانگی اجتماعی و ابعاد رسانه‌های جمعی

متغیر	متغیر	منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معنی‌داری
بیگانگی اجتماعی	تأثیرپذیری از تلویزیون	بین گروهی	۸۳۷/۷۶۸	۳	۲۷۹/۲۵۶	۳/۳۰۷	۰/۰۲۰
		درون گروهی	۳۱۷۵۴/۳۶۶	۷۶	۸۴/۴۳۵		
		کل	۳۲۵۹۲/۱۳۴	۷۹			
	تأثیرپذیری از ماهواره	بین گروهی	۱۳۹۱/۶۱۹	۳	۴۶۳/۸۷۳	۵/۵۹۰	۰/۰۰۱
		درون گروهی	۳۱۲۰۰/۵۱۵	۷۶	۸۲/۹۸۰		
		کل	۳۲۵۹۲/۱۳۴	۷۹			
	تأثیرپذیری از اینترنت	بین گروهی	۱۵۰۵/۷۲۲	۳	۵۰۱/۹۰۷	۶/۰۷۱	۰/۰۰۰
		درون گروهی	۳۱۰۸۶/۴۱۳	۷۶	۸۲/۶۷۷		
		کل	۳۲۵۹۲/۱۳۴	۷۹			
تأثیرپذیری از رادیو	بین گروهی	۱۶۹/۸۰۶	۳	۵۶/۶۰۲	۰/۶۵۶	۰/۰۵۷۹	
	درون گروهی	۳۲۴۲۲/۳۲۸	۷۶	۸۶/۲۳۰			
	کل	۳۲۵۹۲/۱۳۴	۷۹				
تأثیرپذیری از کتاب	بین گروهی	۳۹۰۴/۲۹۵	۳	۱۳۰۱/۴۳۲	۱۷/۰۵۷	۰/۰۰۰	
	درون گروهی	۲۸۶۸۷/۸۳۹	۷۶	۷۶/۲۹۷			
	کل	۳۲۵۹۲/۱۳۴	۷۹				
استفاده از مجلات	بین گروهی	۶۳۰/۰۹۵	۳	۲۱۰/۰۳۲	۲/۴۸۲	۰/۰۶۱	
	درون گروهی	۳۱۷۳۳/۸۲۵	۷۵	۸۴/۶۲۴			
	کل	۳۲۳۶۳/۹۲۱	۷۸				

جدول ۴ - آزمون تفاوت میانگین میزان بیگانگی دانشجویان به تفکیک جنسیت

سطح معنی‌داری	نتایج آزمون آماری t	میانگین	تعداد مشاهدات	جنسیت	بیگانگی اجتماعی
۰/۰۷۵	۷۸۷/۷	۵۴/۹۱	۱۹۵	مرد	
		۵۳/۲۱	۱۸۵	زن	

جدول ۵ - نتایج آزمون تفاوت میانگین متغیر بیگانگی اجتماعی دانشجویان به تفکیک وضعیت تأهل

سطح معنی‌داری	نتایج آزمون آماری t	میانگین	تعداد مشاهدات	وضعیت تأهل	بیگانگی اجتماعی
۰/۶۲۹	۰/۴۸۴	۵۴/۱۵	۳۵۰	مجرد	
		۵۳/۳۰	۳۰	متأهل	

فهرست منابع

- کوزر، لوئیس و روزنبرگ، برنارد (۱۳۷۸)، نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران، نشر نی،
- عمید، علی اکبر (۱۳۷۸)، بیگانگی اجتماعی پژوهشی درباره بیگانگی اجتماعی در میان دانش آموزان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۰). "بیگانگی"، نامه علوم اجتماعی، جلد ۲، شماره ۲، زمستان: ۵۲-۷۲
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۱). "آسیب‌شناسی بیگانگی اجتماعی- فرهنگی (بررسی انزوای ارزشی در دانشگاه‌های دولتی تهران)"، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۲۶
- محمودی میمند، محمد و تیموری اصل، یاسر و علی احمدی، علیرضا (۱۳۹۰). "از خودبیگانگی: مقایسه‌ای از دیدگاه هگلیمان جوان و برخی مفسران قرآن"، پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم، بهار و تابستان.
- نادری، حمداله و بنی فاطمه، حسین و حریری اکبری، محمد (۱۳۸۸). "الگوسازی ساختاری رابطه‌ی بین بیگانگی و بی‌تفاوتی اجتماعی"، مجله علوم اجتماعی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، پاییز و زمستان.
- Dean, B. E. (1979). Alienation: its Meaning and Measurement. *American Sociological Review*, 26: 65-753
- Johnson, G. M. (2005), student alienation, academic achievement, and web use. // *Educational Technology and Society*, 8(2). pp:179 -189
- MA, L., (2001), Social correlates of alienation among college students in Taiwan, *The journal of social psychology*, 125(5): 671-673
- Seeman, M. (1959) on the meaning of Alienation, *American Sociological Review*, Vol. 24, pp. 783-797
- بنی فاطمه، حسین و رسولی، زهره (۱۳۹۰)، بررسی میزان بیگانگی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه تبریز و عوامل مرتبط با آن، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۲، شماره اول، بهار، صص ۱-۲۶
- ربانی خوراسگانی، علی (۱۳۷۲)، بیگانگی به همراه بررسی موردی بیگانگی اجتماعی در بین پذیرفته‌شدگان مرکز آموزشی علامه حلی تهران، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی
- رحمان پور، سعید (۱۳۸۹)، "بررسی میزان بیگانگی اجتماعی جوانان شهر تبریز و عوامل موثر بر آن (سنین ۳۰-۲۰)"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.
- رسولی، زهره (۱۳۸۵). "بررسی میزان بیگانگی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه تبریز و عوامل مرتبط با آن"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.
- رزقی شیرسوار، سعید (۱۳۸۷)، بررسی رابطه بیگانگی اجتماعی و گرایش به رفتارهای وندالیستی در بین دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر بابل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز
- رستمی‌هوراق (۱۳۸۰)، بررسی عوامل اجتماعی موثر بر بیگانگی از کار و رضایت شغلی کارگردانان و تهیه‌کنندگان شبکه‌های اول و دوم سیمای جمهوری اسلامی ایران.
- زکی، محمد علی (۱۳۸۸). "بیگانگی اجتماعی جوانان مورد مطالعه‌ی دانشجویان دختر و پسر دانشگاه اصفهان"، پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، شماره ۳، پاییز و زمستان، ۲۵-۵۱
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۰)، روانشناسی اجتماعی، تهران، آوای نور، چاپ پنجم
- صداقتی فرد، مجتبی و ابی زاده، فرهاد (۱۳۹۰)، "جستاری در رویکرد مولوی به از خودبیگانگی انسان با نگرش به انسان معاصر"، فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، سال هفتم، شماره ۲۵
- کلانتری، عبدالحسین و بشیری گیوی، حسین و غلامی‌شاهوارلو، سهیلا (۱۳۹۱)، بررسی جامعه‌شناختی عوامل فرهنگی و اجتماعی موثر بر از خود بیگانگی اجتماعی شهرنشینان گیوی، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال چهارم، شماره سوم، تابستان، ۵۳-۶۳